

دشواری حکومت در انتخاب میان جنگ و صلح

علی قادری

سرمقاله حمایت همه جانبه از نیروهای امنیتی

حفیظ الله زکی

بانه شعارهای صلح طلبانه ای که سر داده می شود، اما در واقعیت های سیاسی، امنیتی و اجتماعی کدام تغییری رونما نمی گردد. جنگ دوامدار و افزایش روز افزون حملات انتحاری، انفجار ماین های کنارجاده ای و عملیات های نظامی بخشی از واقعیت های تلخی اند که شهروندان افغانستان هر روز آن را تجربه می کنند. وقتی یک سرباز امنیتی کشته می شود، تن هزاران عضو خانواده در سراسر کشور به لرزه می افتد و زمانی که در یک منطقه و یا شهر حمله انتحاری صورت می گیرد، همه نگران می شوند. این بدین معنا است که امنیت جسمی و روانی در سراسر افغانستان از بین رفته و مردم به طور مطلق در ناامنی به سر می برند. سرورمداهای صلح گرچند از دید ناظرین بی طرف از همان ابتدا یک مساله بی معنا و کاملاً غیر واقع بینانه تلقی می شد؛ اما مقامات حکومتی و دشواری عالی صلح برای این که کم کاری های خود را در سایه شعارهای هر چند دروغ و مبالغه آمیز پنهان سازند، همواره پدیده صلح را نزدیک و قابل دسترس وانمود می کردند.

در حکومت گذشته بیشتر از شش سال وقت حکومت به مساله صلح تلف شد و تمام امکانات ملی در این راه هدر رفت و بازسازی به معنای وسیع کلمه به فراموشی سپرده شد و امتیازات زیادی به صورت یکجانبه به طالبان و سایر مخالفان مسلح دولت داده شد؛ اما در نهایت پروسه صلح به شکست انجامید. حکومت وحدت ملی نیز با شعار صلح به میدان آمد و بسیاری خوشبینانه به مردم وعده داد که تا شش ماه آینده نتایج اقدامات حکومت را در راستای صلح مشاهده خواهید کرد. تلاش های حکومت بیشتر بر عناصر خارجی صلح متمرکز بود. این تلاش ها در ابتدا امیدواری هایی اندکی را به وجود آورد؛ اما اکنون برای مردم و مقامات حکومتی روشن شده است که کوشش های حکومت در راستای صلح چندان مؤقتت آمیز نبوده است. سفرهای رییس جمهور به کشورهای ایران و هند به نوعی در پیامد همین شکست تجزیه و تحلیل می شود. رییس جمهور این روزها از پیمان امنیتی منطقه ای سخن می گوید و معتقد است تا زمانی که همکاری منطقه ای در برابر هراس افکنی شکل نگیرد، مبارزه با تروریسم در منطقه نمره و فایده ای نخواهد داشت.

این گفته رییس جمهور الزاماً با واقعیت های امنیتی منطقه مطابقت دارد؛ اما شکل گیری این همکاری با توجه به منافع متضادی که هر یک از کشورها برای خود تعریف می کنند، در شرایط فعلی ناممکن به نظر می رسد.

متأسفانه افغانستان از یک طرف در نقطه تلاقی سیاست های آمریکا و روسیه واقع شده است واز سوی دیگر کشورهای که در این منطقه قرار گرفته اند هر کدام با یکدیگر اختلافات مرزی و یا سرزمینی دارند و با از تضادهای عمیق ایدئولوژیکی رنج می برند و یا در رقابت های سیاسی و اقتصادی هر کدام این کشورها امنیت خود را در نامن سازی کشورهای رقیب تعریف می کنند. از این نظر افغانستان به تنهایی قادر نیست تا این منافع متضاد و ناهماهنگ را بر محور مشترک تجمع نموده و حرکت های سیاسی، اقتصادی و امنیتی کشورها را در راستای همکاری همه جانبه منطقه ای هدایت کند.

از این رو تضادهای منطقه ای در سال های آینده نیز ادامه خواهد یافت و در پیوند با آن ناامنی نیز گسترده تر خواهد شد. در حال حاضر کلید صلح نه در دست حکومت افغانستان است و نه در دست گروه طالبان و سایر مخالفان مسلح دولت.

ناامنی های موجود در واقع برابند شکاف ها و تضادهای عمیقی است که در این منطقه جریان دارد. از این جهت است که می گوئیم تا این تضادها هست، ناامنی هم خواهد بود و از آنجا که افغانستان ضعیف ترین کشور منطقه و نقطه تلاقی تضادهای سیاست منطقه ای به شمار می آید، ناامنی نیز بیشتر این کشور را هدف قرار خواهد داد.

بسیج عمومی در برابر هراس افکنی و نفرت و انزجار از کشورهای تروریست پرور می تواند نفوذ هراس افکنان را در کشور محدود سازد.

اشرف غنی، رئیس جمهوری افغانستان با جدیت تمام پروسه صلح را دنبال کرد و برای این مهم تنها به اقدامات داخلی اکتفا نکرد بلکه در روز های اول کاری خود به عربستان سعودی، چین و پاکستان سفر نمود تا از طریق مجرا های بین المللی و منطقه ای جان تازه به پروسه صلح بدهد و در نهایت به صلح دست یابد و ثبات حفظ نماید. با گذشت بیش از هفت ماه از حاکمیت رئیس جمهوری غنی اما، به نظر می رسد که سیاست های او در قبال دست یابی به صلح و کشاندن گروه های تندرو به میز مذاکره به بن بست رسیده است. اکنون اشرف غنی، رئیس جمهوری اگر چه سخنان از صلح می زند اما در کنار آن سخنان از جنگ و پاسخ سخت افزاری نیز می زند. رئیس جمهور در کنفرانس مشترک با کولیندا گرابار-کیتارویچ، رئیس جمهوری کرواسی گفته است که جنگ افغانستان تعمیلی است و افغانستان پاسخ این جنگ را با جنگ خواهد داد. رئیس جمهوری افزوده است که جنگ افغانستان دلایل بیرونی دارد و اقتصاد جرمی جهانی یکی از دلایل جنگ در افغانستان است. او در بخش از سخنان خود افزوده است که از آنجایی که جنگ ریشه بیرونی دارد «برای بیرونی ها باید راه بیرونی پیدا شود». او افزوده است که در منطقه باید یک پیمان همکاری امنیتی و اقتصادی به وجود آید، چون خطر ها در یک کشور مهار شده نمی توانند سخنان رئیس جمهور نشان می دهد که آن ها با نزدیک شدن به پاکستان و کشاندن گروه طالبان به میز مذاکره زیادی خوشبین بوده است. در عین حال، سخنان رئیس جمهور بیانگر تغییر سیاست و تاکتیک رئیس جمهور در امر دست یابی به پروسه صلح را نشان می دهد.

جنگ افغانستان در افغانستان به این زودی ها پایان نمی پذیرد. تعمیلی دانستن آن هم تغییری به وجود نمی آورد. زیرا، باور ما مبتنی بر این فرض است که در پشت

شده و بر افراطی بودن انتظارات انگشت گذاشته می شود. جامعه مدنی، رسانه های همگانی و جریان های سیاسی بیرون از قدرت، از همان آغاز نسبت به نیت های سیاسی دولت های همسایه بدبین بوده و نسبت به پی آمدهای ناگوار اعتماد یک جانبه هشدار می دادند. اما اکنون، ززمه های در درون حکومت وجود دارد و گلابه های سیاسی از صادق نبودن دولت های هم جوار مطرح می گردد. در چنین وضعیت، رییس جمهور غنی سخنان را در مورد مواجهه با تروریست ها زده که می تواند به عنوان مشوق و ترغیب کننده مناسب برای نیروهای مسلح باشد. رییس جمهور گرچه به صورت مفصل در این مورد صحبت نکرده است، اما جمله گفته که جمله مناسب بوده و در خور شان خواهد بود. ایشان گفته است «جنگ تحمیل شده را با جنگ جواب می دهیم». حالا ممکن است برداشت و تبصره رییس جمهور با برداشت و تبصره ما متفاوت باشد. ایشان شاید برخی جنگ ها را تعمیلی تلقی نکرده و برخورد جدی و شدید را هم مناسب ندانند. اما به نظر می رسد که برداشت و تصور عمومی بر این است که جنگ های که از سوی طالبان داخلی صورت می گیرد و جنگ های که توسط نیروهای تروریستی خارجی صورت می گیرد، تعمیلی است.

در این صورت مسلم است که در برابر جنگ های تحمیلی که همه جنگ ها و نبردهای خونین را شامل می گردد، بایستی قاطعانه ایستاد و همه توطئه های دشمن را با توانمندی و با جدیت سرکوب کرد. بایستی آن قدرت مقاومت کرده و جواب های دندان شکن به طراحان جنگ و حمایت کنندگان برنامه داد. تا به این نتیجه برسند که برنامه شان غیر عملی بوده و نتیجه را به بار نخواهد آورد. از این رهگذر است که روزنه های ختم جنگ دیده می شود. همان طور که افکار عمومی در جریان است، شمال کشور به گونه جدی در معرض تهدید است. وضعیت امنیتی ولایت های شمالی وخیم است. با آن که در ولایت های بدخشان و کندز، سربازان دلیر و جان نثار ارتش ملی، دشمنان را به گونه جدی سرکوب کرده و درس عبرت برای آن ها داده اند.

اما هنوز هم گزارش های از توطئه و حمله طنین انداز بوده و خاطر نا آرام افکار عمومی را نا آرام تر می کند. بر اساس گزارش های که روز گذشته منتشر شد، ولسوالی «جونده» ولایت بادغیس سقوط کرده و به جنگ طالبان افتاده است. با آن که نیروهای نظامی و امنیتی موجود و موظف در محل حاضر بودند و هستند، اما قادر به حفظ این ولسوالی و بازپس گیری اش نشده اند. بنابراین، در چنین وضعیت آشفته که نیروهای ارتش ملی در اکثریت قریب به اتفاق ولایت ها مصروف نبردهای کلان و سرنوشت ساز هستند، موضع گیری قاطع و جدی سران کشور به ویژه رییس جمهور مشوق، حمایت کننده و ترغیب کننده مناسب است که مانند شی انرژ می بخش آن ها را قوت، نیرو، جرات و جسارت می بخشد. به نظر می رسد که این جنگ ها و حمله های پی در پی که طالبان همه توان خودش را خرج تهاجم می کند، بی ارتباط با گفت و گوهایی صلح و ززمه های حضور داهش در کشور و



گروه های تندرو و دهشت افکن کشور های بیرونی قرار دارد. اگر این فرض ما در مورد گروه طالبان و حزب اسلامی گلبدین افکن درست باشد، بدون شک در مورد افغانستان تعمیلی نیست. بلکه برخاسته از یک ذهنیت و فهم درونی کشور های اسلامی است. در پشت رفتار های دهشت افکن همه گروه های تروریستی باور ها و فهم خاص از آموزه های دینی وجود دارد. این درک خاص از آموزه های دینی افراد را در یک گروه قرار می دهد و آن ها را وادار به رفتار های خاص می کند. اشتباه است اگر بپنداریم که در ذهن افرادی که خود را انتحار می کنند، هیچ باور و فهم و درکی از دین وجود ندارد. ممکن این باور ها مبتنی بر فهم مسلط، رسمی و غالب از آموزه های دینی نباشد اما گونه ای از فهم است. ریشه این فهم در سازمان های استخباراتی کشور های منطقه نیست. بلکه ریشه آن در ذهن آدم های است که در این گروه ها می پیوندند. ریشه آن در وضعیت سخت و دشوار اجتماعی و اقتصادی جامعه است. کشور های استخباراتی ممکن ارتباط با این گروه ها داشته باشد اما نفوذ در باور های آن ها ندارد. استخبارات منطقه تنها با استفاده از تاکتیک ها و تمویل گروه ها از آن ها به عنوان ابزاری برای تحقق سیاست خارجی خود استفاده می کنند. بنابراین، راهکار اساسی این است که تحول و دگرگونی در پیش فهم های انسان ها به وجود آوریم تا انسان ها از آموزه های دینی به فهم بنیادگرایانه دست نیابد. به جای دنبال نمودن پروسه صلح بهتر آن است که روی معارف و تحصیلات عالی بسط و گسترش اندیشه های لیبرال و دموکرات کار صورت گیرد. اگر ریشه های جنگ افغانستان به کشور های منطقه و جهان بر گردد، ما باید در پی علل و ریشه های آن باشیم. به طور مثال اگر کشور الف از گروه طالبان حمایت می کند، چرا و به چه دلیل. باور نگارنده این

منطقه ای به صورت جدی و با اعتماد آغاز خواهد شد. مسئله دیگر این است که ما با سیاست های قومی به دنبال صلح می گردیم. ارزش گذاری آشکار نزد سران حکومت میان گروه های قومی وجود دارد. قومی برتر و قوم دیگر فرو نگریسته می شود. اگر چه در قانون اساسی کشور همه شهروند این کشور محسوب می شود اما در عمل این گونه نیست. رفتار های تمایز گذارانه به شکل آشکار و نمایان دیده می شود. با این سیاست هیچ امکان دست یابی به صلح ممکن نیست. بر فرض دست یافتن به صلح با سیاست قومی امکان حفظ آن ممکن نیست. هر آن ممکن گروه های اجتماعی دیگر در برابر حکومت مقاومت نماید و جنگ دیگری در گیرد. صلح پایدار با دگرگونی در سیاست داخلی و گسترش سواد و ظرفیت بالا بردن تحصیلات عالی ممکن می گردد. صلح با سیاست ملی و نهادهای ملی ممکن و گسترش اندیشه ناسیونالیستی در میان تمام گروه های

آیا موضع گیری ترغیب کننده برای نیروهای نظامی دایمی است؟

عبدالرحمن فهیمی



قوی تر و قدرتمند حاضر شدن و نشستن روی میز است. هر دو طرف در صدد است تا باج سیاسی اندک را بدهد و امتیاز سیاسی کلان را از طرف مقابل بستاند. از این رو، حمله های اخیر طالبان شاید برای کسب موقعیت بهتر و حاضر شدن قوی تر در گفت و گوهایی سیاسی باشد. سران طالبان به این فکر کرده اند که در میز گفت و گو، حکومت به عنوان نیروی ضعیف و در حال زوال بدان ها ننگرد بلکه به عنوان نیروی پر قدرت و تهدید کننده شمار کند. به هر صورت، امید می رود که رویکرد حکومت وحدت ملی در برابر تروریست ها قاطعانه تر گردد. بیان رییس جمهور، نکته جهت دهنده خوب است. هم، دروازه های گفت و گو و صلح باز گذاشته شود، تا طالبان که دست از جنگ کشیده و به آرزوی ورود به فضای جدید و زندگی بهتر تسلیم می شوند، فرصت زندگی یابند و هم جبهه های نبرد را تقویت کرد تا گروه های تروستی به این نتیجه دست یابند که جنگ راه به جایی نمی برد و پیروزی میسر نیست.

روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

کارتون روز وضعیت موجود

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
مدیر مسوول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله زکی
کارگزار: خالق علی زاده

دبیران: محمد صالحی، علی اصغر زاهدی
مسئول وب سایت: محمد علی بهرامی

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۷

افغانستان The Daily Afghanistan
Outlook AFGHANISTAN
The Leading Independent Source